

## صراط



آقایان روحانیون نباید خود را از سیاست دور نگه دارند… از همه عارف‌تر، امام بود. چه کسی در کشور به حد عرفان امام می‌رسید؟ دیدید چگونه وارد میدان شد؟ مثل شیر. امام درباره استاد بزر گوار خود\_م مرحوم آقای شاه‌آبادی\_ گفته

**تأملی در اندیشه و عملکرد استاد عرفان امام خمینی (ره)**

# عارفی که سیاست‌گریز نبود

آیت‌الله میرزا محمدعلی شاه‌آبادی از بزرگ‌ترین اساتید عرفان پرورش یافته در حوزه‌های علمیه‌است که امام خمینی (ره) خود را مفتخر به تلمذ هفت ساله در مکتب وی می‌داند. تائکون ذکر جنبه‌های عرفانی و معنوی زندگی آیت‌الله شاه‌آبادی بسیار شده است و عموماً وی با این وجه از ابعاد شخصیتی‌اش شناخته می‌شود. حال آن که علاوه بر عرفان، تسلط استاد امام خمینی (ره) به سایر علوم نظیر فقه و اصول و… خصوصاً نظرات و سبک زندگی ایشان در خصوص مسائل سیاسی و اجتماعی، آن هم در روزگار خفقان پهلوی اول و بیشتر از آن در دوران قاجار، از مواردی است که کمتر گفته شده است. بیان برخی دیدگاه‌ها و عملکرد سیاسی مرحوم شاه‌آبادی که در این یادداشت به‌ایجاز ذکر آن خواهد رفت، نشان می‌دهد که این مرد الهی نه فقط از بعد عرفانی بلکه از نظر آگاهی‌بخشی نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی، چه میزان در تکامل شخصیتی بنیان‌گذار انقلاب اسلامی ایران، نقش داشته است.

■ ■ ■

**■ زندگی سیاسی آیت‌الله**

آیت‌الله شاه‌آبادی در خانهای بزرگ شده بود که پدرش –آیت‌الله بیادآبادی– مشهور به مخالفت با اقدامات ناصرالدین شاه بود. وی نه فقط در امور سیاسی زمان خود دخالت داشت بلکه حدود خدا برای مجرمان را شخصاً اجرا می‌کرد. البته همین مسئله سبب شد که وی به همراه فرزندان محمدعلی که آن زمان ۱۲ سال بیشتر نداشت و خانواده، از اصفهان به تهران تبعید شوند. جالب آن جاست که پدر مرحوم شاه‌آبادی در زمان تبعید نیز از مخالفت با ترویج مفاسد توسط حکومت دست نکشید و تخریب برخی شرابخانه‌ها و تبدیل آن به مسجد و کاسرالدین (شکفته دین) خواندن ناصرالدین شاه از جمله این اقدامات بوده است.

آیت‌الله شاه‌آبادی در ایام نوجوانی و هم‌زمان با قیام‌های مردمی علیه استبداد و نهضت مشروطیت، نزد میرزا محمد تقی شیرازی، شیخ الشریعه اصفهانی و آیت‌الله ملامحمد کاظم خراسانی علم سیاست را آموخت. پس از آن تا زمان هجرت به قم با شاهان قاجار مواجهه مستقیم و مخالفت‌های سیاسی ابراز می‌داشت و همواره پیشگام و مطالبه اجرای اسلام در کشور بود.

حضور و شد در خانواده‌ای که به سیاست به چشم یک وظیفه دینی، می‌نگریست، طبیعتاً استاد امام خمینی (ره) را با مفاهیم سیاست و وضعیت اجتماعی کشور آشنا کرد. به گونه‌ای که مبارزات سیاسی ایشان با رژیم حاکم چنه در قول و به فعل ایشان عینیت یافت و نهایتاً اینکه ایشان شاگردی را تربیت کردند که بنیان حکومت طاغوت را در هم شکست. عرفان مثال‌زدنی آیت‌الله شاه‌آبادی در حدی بود که آینده ملت ایران را در خشت خام می‌دید و بزرگ‌ترین نموه مکتب درس او امامی شد که آیت‌الله می‌دانست قرار است بار چه نهضت عظیمی را در راه احیای اسلام به دوش بگریزد.

فرزند آیت‌الله شاه‌آبادی می‌گوید: «در ایامی که در نجف خدمت امام بودم، یک شب خواب دیدم در ایران جنگ و آشوب است. خاصه در خوزستان و در این آشوب یکی از نزدیکانم کشته می‌شود. از امام حکمت خواب را پرسیدم. ایشان گفت ننگ‌های به تو خواهم گفت که این شرط که تا زنده‌ام در جایی نگوی. آن زمان که نزد پیدرت آیت‌الله شاه‌آبادی بودم، از نزدیک‌ترین افراد به وی محسوب می‌شدم. ایشان هم مرا نسبت به اسرار نامحرم نمی‌دانست و روزی برایم حرکت و کار را بیان کرد. البته حلال‌زاد است این مسیر آغاز شود. اما می‌رسد.»

**■ تلازم سیاست و معنویت در نگاه استاد امام**
در تعریف آیت‌الله شاه‌آبادی از سیاست، «سیاست، عبارت است از تدبیر در جریان مصالح نوعیه و منع از تحقق مفاسد آنها و چون تدبیر راجع به مصالح و مضار شخص بوده باشد، اگر مضر به دیگران نیست، تدبیر منزل خواهد بود و الا تزویر و تلبیس و شیطنت است؛ مثل سیاست امروزه اعدا که حقیقتاً شیطنت است و کلمهٔ سیاست، تحریف شده است.»

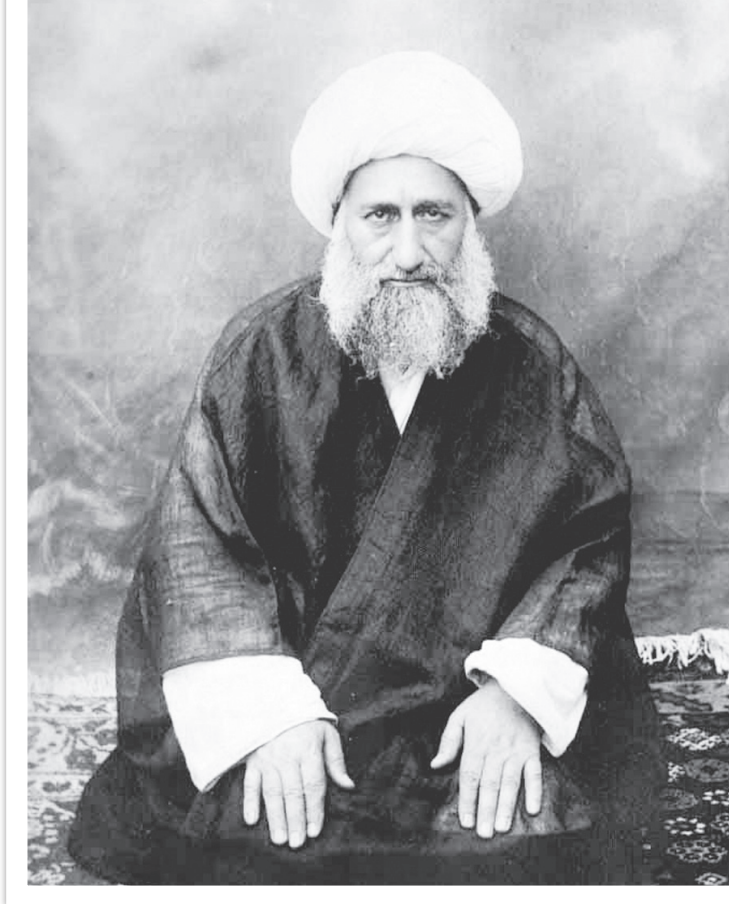
تا پیش از قوت‌گیری اندیشه انقلاب اسلامی، بسیاری از متدینینی با تمرکز بر وجوه فردی دین، تصور می‌کردند دین از سیاست جداست. امام خمینی در این زمینه، در زمینه‌نامه می‌گوید در آذهان بیشتری از مردم، بیشتری از اهل علم، بیشتری از مقدسین این است که اسلام به سیاست چسب کار دارد.

آیت‌الله شاه‌آبادی نیز در نگاه به مسئله سیاست، دقیقاً همین خط (به هم پیوستگی و التزام دین و سیاست) را دنبال می‌کرد و از منظر وی، همه اسلام سیاست است و سیاست از اسلام جداشدنی نیست. ایشان می‌نویسند: «معرفت اغلب احکام واقعیه نیز مشتمل است بر سیاست. مثل طهارت و صوم و مسلاۀ و زکات و حج و جهاد و لذا می‌توان گفت دین اسلام، دین سیاسی است.»

استاد بزرگوار امام خمینی ایده‌ای تحت عنوان «ناحیه مقدسه اسلام» مطرح می‌کنند که بعداً امام خمینی آن را در نظر به ولایت مطلقه فقیه به تکامل می‌رسانند. ایشان در کتاب سذرات المعارف دو رکن زیر را برای حکومت

■ تحلیل

داوود احمدی\*



مطلوب برمی شمزند:

۱- حفظ استقلال حکومت مطلقه به قرآن کریم

۲- حفظ اختصاص ولایت مطلقه به مقام مقدس حجت

بن الحسن (عج)

از نظر ایشان جامعه اسلامی از سه طبقه «دعاه»، «عاه» و «حماه» تشکیل شده است. «دعاه» شامل قاطبهٔ مجتهدین عصر هستند و بر ناحیه مقدسه اسلام نظارت دارند. «دعاه» دارای سازمان و تشکیلات هستند و حسب وظایف به راهنمایی امت در مسیر امام غایب می‌پردازند.

«عاه» از نظر آیت‌الله شاه‌آبادی، ائمه جماعات، وعاظ، اساتید، معلمان و دیگر هدایتگران جامعه را در بر می‌گیرد و «حماه» قاطبه ملت هستند که بایستی برای حفظ اسلام و تعظیم شعائر آن بکوشند.

مدل حکومتی انقلاب اسلامی از حیث انطباق با نظریات فوق، مشابهت‌های بسیاری دارد و البته واجد تفاوت‌هایی نیز هست. از نظر استاد امام(ره)، اختیار دولت داری می‌تواند با تأیید مراجع به مقام شاه واگذار شود، که در مدل جمهوری اسلامی، رهبر دینی خود هدایتگر جامعه بوده و اجرای قوانین حکومت به دست رئیس‌جمهور منتخب ملت رقم می‌خورد. از نظر مرحوم شاه‌آبادی، ولایت مختص حاکمان شرع است و پادشاهان که نصب و تأیید از سوی حاکم شرع ندارند را غاصب دانسته و مراجعه به آنها را حرام می‌دانست. اعتقاد ایشان این بود که برای حل اختلافات میان افراد باید به حاکمان شرع مراجعه شود و کسی حق ندارد به داد‌گاه و دادسراهای حکومتی مراجعه کند، چراکه آنجا خود مرکز ظلم است. ایشان در همان بحث ناحیه مقدسه اسلام نیز ولایت فقیها را اولی دانسته و می‌نویسند: «طبقه اولی، دعاه اسلام است و آنها قاطبه مجتهدین هستند که هر جا باشند، رؤسای ناظر ناحیه مقدسه اسلام اینانند.»

## عرفان و عدم انزوا از سیاست

بودند که ایشان اهل مسائل سیاسی بودند. همچنین من در جایی از امام شنیدم که مرحوم آقای شاه‌آبادی روی منبر گفته بودند که اگر کسی دور و بر من بود، قیام می‌کردم. بنابراین عرفان موجب نمی‌شود که انسان برود در گوشه‌ای بنشیند. البته درست

# اندیشه

فهمیدن مسائل سیاسی و سالم طرح کردن آن، مسئله دیگری است؛ اما انزوا و انعزال از سیاست، به‌هیچ‌وجه مصلحت نیست.

**بیانات رهبر انقلاب در دیدار با فرزندان آیت‌الله شاه‌آبادی و جمعی از مردم ۱۳۷۷/۰۱/۲۴**



در طول این مدت رضاشاه از هر تلاشی برای شکستن تحصن فروگذار نکرد اما موفق نشد، تا آن که با مراجعه مکرر علمای تهران و تشخیص عدم‌التفع ادامه این اعتراض به حرکت خود پایان دادند.

ایشان در یک سخنرانی آتشین در ماه محرم به شدت به رژیم پهلوی می‌تازد: «خدایا تو شاهد و گواه باش که این مرتبه که این سخن را بگویم، در این ۱۰ شب، ۳۰ مرتبه تکرار کرده‌ام و اتمام حجت نموده و برای علمای نجف و اصفهان و مشهد و همه نقاطی که می‌دانستم و توانستم نامه نوشتم و امشب هم برای آخرین بار در این مجلس می‌گویم که رضاخان دست‌نشانده انگلیسی است و هدفش اعدام قرآن و اسلام است و اگر با من روحانی مبارزه می‌کند، نه‌به خاطر خود من بلکه به این دلیل است که من مبلغ قرآنم. به دنیا اعلام می‌کنم که اگر کاری نکنید، این خبیث اسلام را از بین می‌برد.»

آیت‌الله شاه‌آبادی «قیام‌الله» را از لوازم حرکت به سوی جامعه اسلامی و طرد طاغوت برمی‌شمرد و در مکتوبی که در پاسخ به فرزند آخوند خراسانی درباره علت تحصن خود می‌نویسد تصریح می‌دارد: «ما وارث دینی هستیم که از زمان امامان اطهار و یارانشان، هزاران شهید از علما و بزرگان در به نمر رساندن آن نقش داشته‌اند و حال ما هستیم که ثمره این فداکاری‌ها را در اختیار داریم. پس موظفیم تا جان در بدن داریم برای حفظ آن تلاش کنیم و هدیه گرانبهای الهی را که با خون بسیاری از شهدا ایاری زده است، محافظت نماییم.»

**■ نگاه استاد به پیشرفت و استقلال**

نکته جالب دیگر در شناخت استاد امام خمینی (ره) این است که برخلاف جو رایج حوزه‌های علمیه و عموم متدینان که در دوران پهلوی اول، نوعی گریز از مظاهر دنیای روز و تکنولوژی داشتند و استفاده از ابزارهای مدرن را برای خود فاقد توجیه تلقی نموده و نگرش منفی به آن ابراز می‌داشتند، ایشان از همان ابتدا در فتاوی‌ای خود به نوعی سنت‌شکنی نموده و نگاه ایجابی و مثبت خود را نسبت به استفاده صحیح از مظاهر پیشرفت و ابزارهای مفید مستعمل از تکنولوژی غربی ابراز می‌داشتند. به عنوان نمونه ایشان می‌فرمایند: «زادیهو همچون زبان گویایی است که می‌تواند به دانش و فرهنگ خدمت کند، هم می‌تواند گفتارهای نامناسب بگوید. بنابر این خرید و نگهداری آن برای استفاده از بر نامه‌های مفید، مانعی ندارد.»
و درباره تلویزیون معتقد بودند: «این وسیله گناه ندارد و نگهداری آن و استفاده از آن در موارد صحیح نه تنها زبانی ندارد، بلکه لازم است.»

ایشان مسیر پیشرفت در جامعه اسلامی را حرکت در مسیر دانش بشری و ارتقای سطح فنی می‌دانستند و معتقد بودند، یکی از لوازم رشد ملت مسلمان ایران، دستیابی به صنعت و تکنولوژی و ارتقای سطح اقتصاد مملکت از این طریق است: «اختلال در امر معاش، از جهت فقدان کمال علم و عمل صنایع می‌باشد و معلوم است که این معیشت فعلی که از رشحات معیشت دشمن است، البته باقی نخواهد ماند و محکوم خواهیم شد به انهدام.»

آیت‌الله شاه‌آبادی در هیبت یک عالم پیشرو و انقلابی، «استقلال» کشور را یکی از مبانی رشد و حرکت به سوی آرمان دینی می‌داند و عمیقاً از اینکه در آن شرایط صنعت و اقتصاد کشور به دست بیگانگان اداره و هدایت می‌شود، خشمگن است. در آن دوران نگاهی از سوی حکومت ترویج می‌شد که مستشاران و مهندسان خارجی که در ایران مشغول به کار و اداره صنایع هستند یا ماز کشورهای آنان محصولات خود را خریداری می‌کنیم، در حقیقت عمله ایرانیان هستند و خاوند دشمنان را مسخر مردم ایران قرار داده است! آیت‌الله شاه‌آبادی شدیداً مقابل این کج‌فهمی از دین می‌ایستد و نهب می‌زند: «برخی از غفله و خُفله را می‌بینیم که تشکر می‌کنند از اینکه صنایع دشمن، آنها را اداره می‌کند و می‌گویند خداوند عالم، آنان را خر و حمال ما قرار داده… حمال کسی است که پنیه را هر «من»، «شش قران» به دشمن بدهد و یک «من» ششصد تومان بلکه بیشتر از او می‌خرد. اکنون مشاهده کن و ببین خر کیست؟ و آیا نعمت آن است که آن را تشکر کنی؟»

**■ فرجام سخن**

نگاهی به دیدگاه‌های سیاسی آیت‌الله شاه‌آبادی و اقدامات سیاسی ایشان در طول حیات نشان می‌دهد، امام خمینی (ره) درس عرفان را نزد فردی آموختند که خود در مسائل اجتماعی پیشگام و پیشرو بود. بی‌دلیل نیست که امام خمینی(ره) در عین نیل به مقامات بلند عرفانی و تسلط بر عرفان عملی، در طول عمر شان هیچ گاه متوقف به خود و منزوی نشدند، بلکه آموخته‌های عرفانی امام که از اساتید بزرگوارشان خاصه آیت‌الله محمدعلی شاه‌آبادی فراگرفته بودند، مسیر من الله الی الخلق از مراتب عرفانی را چنان تفسیر نموده بود که باید همگام و حتی پیشگام مردم برای اصلاح وضعیت سیاسی و اجتماعی جامعه گام برداشت.

**✽کارشناس ارشد علوم سیاسی و معارف اسلامی**

## درنگ

توسط آیت‌الله کعبی تشریح شد

### مردمسالاری در اندیشه صدر



همایش بزرگداشت شهید آیت‌الله محمدباقر صدر هفته گذشته در مؤسسه فرهنگی شهدای هفتم تیر برگزار شد. در این همایش آیت‌الله کعبی استاد حوزه علمیه قم به بررسی وجوه اندیشه سیاسی آیت‌الله محمدباقر صدر پیرامون مردم‌سالاری پرداخت. در ادامه گزیده‌ای از این سخنان تنظیم شده است.

**■ پایه مردم‌سالاری در اندیشه صدر**

واژه مردم‌سالاری به طور مستقیم در ادبیات و مفاهیم شهید صدر نیامده اما ایشان در نوشته‌ها و مطالب خود گفته‌اند؛ حکومت‌انسان بر سرنوشت خویش بر پایه خلافت‌الله است و استفاده از این تعبیر بسیار به اصطلاح مردم‌سالاری دینی و اسلامی نزدیک است. اصطلاح مردم‌سالاری را اولین بار رهبر معظم انقلاب برای تبیین حقیقت جمهوری اسلامی استفاده کردند.

از نظر شهید صدر نظریه مردم‌سالاری اسلامی دارای چهار رکن است؛ رکن اول بینش و نگرش و توحیدی است، به این معنا که سر پایه نظام احسن الهی حاکم بر جهان هستی انسان، جهان و طبیعت با یکدیگر در ارتباط هستند. بر این پایه از منظر شهید صدر جهان هدفدار، قانونمند و نظاممند مبتنی بر شعور و ادراک است. رکن دوم حاکمیت مطلق انسان بر جهان است که خود حاکمیت به دو گونه حاکمیت تدوینی و تشریعی تقسیم می‌شود. رکن سوم، رکن حاکمیت سنن الهی بر جهان هستی و انسان بر اساس قانونمندی‌های حاکم بر انسان و جهان هستی است و رکن آخر هم اصل کرامت ذاتی، فطری و عمومی انسان بر پایه نیروی عقل، تدبیر، اراده و اختیار است. بر این اساس قدرتی که خدا به انسان داده برای تغییر و تفسیر جهان است. به عبارت دیگر حاکمیت انسان بر سرنوشت خویش از طرف خدا به انسان داده شده است. همچنین اصل ۵۶ و ۵۷ قانون اساسی در اندیشه شهید صدر به نوع دیگری مطرح شده است. بر این اساس حاکمیت انسان بر سرنوشت خویش با قید خلافت‌الله آمده یعنی بر پایه خلافت الهی و عمومی انسان بر سرنوشت خویش حاکمیت دارد و نه مطلق. لذا نباید متوجه بشویم که حاکمیت الهی به انسان تفویض شده است.

**■ خلافت تکوینی قابل تفویض نیست**

شهید صدر تأکید می‌کند که خلافت الهی تکوینی و فطری بر پایه سنت الهی عمومی و همگانی با گسترده گی و شمول همرا است ولی قابل تفویض نیست چون صفات الهی تجزیه‌ناپذیر است. خداوند انسان قدرت مدیریت و استعداد برای مدیریت زندگی خود را به او داده و انسان را واجد حقوقی مثل آزادی، حق حیات، مالکیت خصوصی و… کرده است. خداوند ویژگی‌های فطری حق سرنوشت انسان را داده است و این استعداد را خلافت به معنای جانشینی نامیده است. این خلافت یک خلافت جمعی و عرضه شده بر انسان است و نه یک خلافت انکسائی و تشریعی. خلافت‌الله

**رئیس بنیاد حکمت اسلامی صدرا:**

## سند ۲۰۳۰ خیانت است!

آیت‌الله سیدمحمد خامنه‌ای، رئیس بنیاد حکمت اسلامی صدرا طی **سرمقاله‌ای در آخرین شماره فصلنامه علمی صدرا، امضای سند آموزشی ۲۰۳۰ توسط نمایندگان ایران در یونسکو** را که بدون اطلاع و مشورت با مراکز رسمی و قانونی کشور انجام شده است، **مورد انتقاد قرار داد.**

متن یادداشت رئیس بنیاد حکمت اسلامی صدرا از این قرار است:

بیگانه‌انگاری و دور از ماجرا گذاشتن مراکز قانونی و مسئولان امور فرهنگی از سوی برخی کارگزاران دولتی، پدیده باورکردنی و تجربی است که متأسفانه در پیش و پس قرار دادهایی همانند آن، اندک اندک در این کشور به عادت تبدیل می‌شود و صورت نهادینه‌گی به خود می‌گیرد و نوعی یاغی‌گری در روابط خارجی، در جای اطاعت از قانون و پیروی از سیاست‌ها و سیاستگذاران مسئول می‌تسیند و سر به ناگجا آباد خواهد زد. یکی از وقایع گزارش شده سیاسی ـ و به ظاهر فرهنگی ـ کشور ما و تردستی‌های مسئولان امضای سندی به نام سند ۲۰۳۰ می‌باشد، به منظور تعریف وضع آموزشی آینده کشور، این سند در کمیسوینی در یونسکو به امضای نمایندگان ایران رسیده و به موجب آن، همرنگ شدن ایران با جهان در زمینه آموزش و پرورش جوانان، زمینه‌اصلی بوده‌است. حسب شنیده‌ها، هیچ یک از مراکز بالادستی

رسمی و قانونی مرتبط با امور فرهنگی، مجلس شورای اسلامی یا مرجع قانون گذاری دیگری از این قرارداد حساس و پر زین با اطلاعی نداشته و رسماً مورد مشورت قرار نگرفته و دعوت به مشارکت در تصمیم‌گیری نشده‌اند. عجیب بودن این قرارداد سست‌بنیاد از نظر حقوقی و اسلامی، هنگامی بیشتر می‌شود که به محتوای آن توجه شود؛ متحوائی که ضمیمه پروتکل‌های صهیونیسم و فتاوی اهداف لعمود یهود است که اصرار به فساد کشیدن جامعه